

بررسی تاثیر تمرکز اقتصادی بر قدرت ملی مطالعه

موردی: منطقه کلان‌شهر تهران

دریافت مقاله: ۸۹/۵/۴ پذیرش نهایی: ۸۹/۹/۷

صفحات: ۱۲۹-۱۰۱

سیدموسی پورموسوی: استادیار گروه جغرافیای دانشگاه امام حسین (ع)^۱

Email: mp.articles@yahoo.com

حسین محمدیان: کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی

Email: geoplm@yahoo.com

محمدهادی پوینده: دانشجوی دوره دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

Email: pooyandeh@ut.ac.ir

چکیده

قدرت ملی یک کشور، نقشی بنیادین در مباحث مربوط به جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک و در نهایت تنظیم الگوی رفتاری دولت‌ها در امور داخلی و روابط بین‌الملل ایفا می‌کند، به همین دلیل از آغاز قرن بیست و یکم، موضوع قدرت ملی از اهمیتی بیش از پیش برخوردار شده است و بیش از گذشته مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر قرن بیست و یکم قرن شهرهاست، چرا که اکنون بیش از نیمی از مردم دنیا شهرنشین‌اند، بر همین مبنا اغلب صاحب‌نظران علوم اجتماعی و انسانی بر این باورند که سرنوشت بشر امروز و آینده در شهرها رقم می‌خورد. شهرها که تا آینده‌ای نزدیک اکثریت مردم جهان را در خود جای خواهند داد، عرصه‌های رقابت جهانی برای جذب دانش و سرمایه شده‌اند و هریک به دنبال معروفیت در عرصه یا عرصه‌هایی از فعالیت بشر هستند تا در این رقابت وارد شوند. منطقه کلان‌شهری تهران نیز یکی از مناطق کلان‌شهری بزرگ دنیاست که قدرت اقتصادی و مالی نیز همچون قدرت سیاسی در آن متمرکز شده است، که در نتیجه رهبری اقتصاد ملی در تهران متمرکز شده و تمرکز اقتصادی با تمرکز سیاسی-اداری و تمرکز جمعیتی و خدمات اجتماعی هم‌نوا و همراه گردیده است. در این تحقیق که از نوع توصیفی-

۱. نویسنده مسئول: تهران، خیابان جلال آل احمد، روبروی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، پلاک ۱۱.

تحلیلی می‌باشد با بررسی و استفاده از برخی شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی به تبیین نقش اقتصادی منطقه کلان شهر تهران در قدرت ملی پرداخته می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که احتمالاً نقش اقتصادی منطقه کلان شهر تهران در قدرت ملی دارای کارکرد منفی است.

کلید واژگان: قدرت ملی، منطقه کلان شهر تهران، تمرکز اقتصادی، رقابت جهانی، شاخص‌های اقتصادی

مقدمه

قرن بیست و یکم قرن شهرهاست، چرا که اکنون بیش از نیمی از مردم دنیا شهرنشین‌اند. همگام با تسریع رشد شهرنشینی، فرایند جهانی شدن نیز شتابی فزاینده یافته و شهرها، این کانون‌های اصلی اجتماعی و اقتصادی دنیا، از طریق فناوری پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطاتی، بیشتر و شتاب‌زده‌تر از پیش با هم مرتبط گشته‌اند. در این شرایط، کیفیت فضای شهرها، چه از لحاظ جذب سرمایه و گردش‌گر و چه از لحاظ حفاظت محیط زیست و چه از لحاظ بهبود کیفیت زندگی شهروندان نقش قابل ملاحظه‌ای در اوضاع اقتصادی و اجتماعی ملل خواهد داشت (مدنی‌پور، ۱۳۸۷ ص ۵). آنچه مسلم است توسعه شهر از عملکرد اقتصادی حاکم بر آن تأثیر می‌پذیرد این عملکرد ناشی از امکانات مساعد ناحیه‌ای و روستاهای پیرامونی آن است از جمله، عملکرد مرکزیت مکانی، نقش اقتصادی غالب (نظیر نقش‌های حمل و نقلی، صنعتی و کارخانه‌ای، خدماتی، توریستی، عمده‌فروشی، معدنی، نظامی، فرهنگی و درمانی) و میزان تخصص در آن، نقش شهر را در اقتصاد ملی و منطقه‌ای تعیین می‌کند. پایه اصلی مطالعات شهرسازی و طراحی شهری، مطالعه پایه اقتصادی شهر است که براساس آن، اشتغال، جمعیت، درآمد و نهایتاً میزان نیاز به فضا مشخص می‌شود (شیعه، ۱۳۸۰: ص ۱۱۶).

در چند دهه اخیر شهرها با سرعت زیادی گسترش یافته و به شهرهای بزرگ تبدیل شده‌اند. این گسترش در مورد کشورهای توسعه‌نیافته حادث‌تر است. در این میان، رشد سریع شهرنشینی در دنیا در همه شهرها به‌طور متعادل صورت نگرفته است. بلکه عمدتاً شامل شهرهای بزرگ و پایتخت‌ها بوده است (نظریان، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹). به عبارت دیگر کانون سیاسی (پایتخت)، مرکز جاذبه و نفوذ یک فضای جغرافیایی است که در بردارنده عوامل سیاسی، فرهنگی، قومی، تاریخی، اقتصادی، اداری، فنی و ارتباطی می‌باشد. در واقع کانون سیاسی مرکزیت جغرافیایی، هندسی و یا کارکردی یک فضای جغرافیایی است که از یک سو نیروهای

انگیزشی مستتر در آن، عناصر و عوامل انسانی، کالبدی فضا و جریانات و شبکه‌ها را به سوی خود جذب می‌کند و از دیگر سو، نقطه مرکزی برای پخش پدیده‌ها، فرمان‌ها و اعمال اراده سیاسی در اقصی نقاط فضای مذکور به‌شمار می‌رود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ص ۲۸۲).

در ایران نیز با توجه به نظام متمرکز موجود، کلانشهر تهران به عنوان پایتخت، مرکز تجمع بخش زیادی از امکانات کشور است. به عبارت دیگر با توجه به اینکه ساختار کلی نظام سیاسی در ایران در قالب حکومتی بسیط و تک‌ساخت می‌باشد (همان: ص ۲۶۲) و در حکومت تک‌ساخت، دولت مرکزی کلیه مدیریت‌های محلی را تحت نظارت خود دارد و میزان قدرت آن‌ها را تعیین می‌کند (میرحیدر، ۱۳۸۵: ص ۱۴۸)، به همین دلیل تمرکزگرایی قدرت سیاسی و اجرایی به شکلی است که قدرت سیاسی در کانون نظام سیاسی متمرکز شده است و واحدهای جغرافیایی فاقد قدرت سیاسی و اجرایی هستند. در واقع، به دلیل تک ساخت بودن حکومت از یک سو و متمرکز بودن بعد سازمانی و اداری آن از سوی دیگر، قدرت سیاسی، اجرایی در فضای جغرافیایی کشور توزیع نمی‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ص ۲۷۹). از آنجایی که تمرکز مشکل بنیادی در اداره کشور محسوب می‌شود، پرداختن به آن از اهمیت ویژه برخوردار است. نظام‌های متمرکز عمدتاً به جای تولید ثروت در مصرف منابع کوشش کرده و منابع ملی را به دلیل بوروکراسی شدید به هدر می‌دهند (قالیباف، ۱۳۸۴: ص ۱۴۱).

این تحقیق در صدد است با توجه به تعدد شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی، و همچنین شاخص‌های اقتصاد شهری، برخی از شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی را در منطقه کلان شهر که شامل ارزش افزوده بخش صنعت، ارزش افزوده بخش خدمات، درآمد مالیاتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان در مقایسه با کل کشور می‌شود را با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای رسمی، مورد تحلیل قرار داده و نقش اقتصادی منطقه کلان‌شهر تهران در قدرت ملی کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات شامل: بهره‌گیری از منابع آماری: (آمارهای توصیفی، نتایج سرشماری نفوس و مسکن)، کتب، مقالات و گزارش‌های پژوهشی می‌باشد. آمار و اطلاعات این تحقیق از منابع کتابخانه‌ای شامل: کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و نشریات علمی پژوهشی، سایت‌های معتبر اینترنتی و همچنین از مراکز معتبر علمی شامل مرکز آمار ایران و بانک مرکزی گردآوری شده است. هدف از این تحقیق این است

که با استفاده از شاخص‌های اقتصادی که یکی از عناصر مؤثر در قدرت ملی است، نقش اقتصادی منطقه کلان‌شهری تهران را در قدرت ملی مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد.

مبانی نظری

با آنکه مفهوم قدرت در مرکز تمام تحلیل‌هایی قرار دارد که در عالم سیاست انجام می‌گیرد و نیز چنان که هانس مورگنتا می‌گوید، همه سیاست‌ها تلاشی برای کسب قدرت است، اما، مفهوم قدرت هنوز یکی از بحث‌انگیزترین مفاهیم در حوزه جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و سایر رشته‌های مرتبط با مبحث قدرت است، به نحوی که در مورد مفهوم و تعریف قدرت دیدگاه‌های گوناگون و نظرات متعددی وجود دارد؛ گاهی آن را طوری به کار می‌برند که گویی ریشه در روان‌شناسی دارد و گاهی آن را مشخصه‌ای در قلمروهای سیاسی، اقتصادی و نظامی محسوب می‌کنند. همچنین، بسیاری آن را مرتبط با مفاهیم نفوذ، اجبار و کنترل می‌دانند. با توجه به این تنوع گسترده موارد کاربرد، چنین به نظر می‌رسد که به تعداد نظریه‌ها، مفاهیم مختلف درباره قدرت وجود دارد (Tellis & Others, 2000: p۱۲).

قدرت اساساً به توان و استعداد انسان برای انجام کاری که مطلوب اوست اطلاق می‌شود. در واقع می‌توان گفت که قدرت عبارت است از توانایی و استعداد فرد برای انجام کار و اعمال اراده بر افراد دیگر به منظور ایجاد رفتار مطلوب. قدرت را جوهر سیاست دانسته‌اند زیرا به سیاست‌مدار و رهبر سیاسی توانایی تولید نتایج مورد نظرش را می‌دهد. قدرت موضوع نزاع و رقابت‌های سیاسی نیز می‌باشد و هدف نیروها و حرکت‌های سیاسی واحزاب و رهبران اجتماعی در تکاپوی سیاسی آنها، کسب اهرم‌ها و پایگاه‌های قدرت است، تا بتوانند مطابق میل و اراده خود و یا بر اساس سیستم و نظام ارزشی مورد نظر خود فرمان برانند و منافع خود و هواداران‌شان را تامین نموده و اسباب حفظ قدرت را نیز فراهم آورند، و رقبای خود اعم از افراد، گروه‌ها و دولت‌ها را از صحنه بیرون نمایند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ص ۵۸).

از سوی دیگر قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته می‌شود که از برآیند توانایی‌های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می‌شود. به عبارت دیگر قدرت ملی به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، یک ویژگی و صفت جمعی افراد را منعکس می‌نماید و هم زمان به‌عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ص ۴۶). در مجموع در تعریف قدرت ملی می‌توان گفت قدرت ملی عبارت است از: ظرفیت یک کشور در پیگیری اهداف کاربردی با اقدامات عمدی. این نگرش به قدرت ملی، دو بعد مجزا ولی مربوط به هم ظرفیت را نشان می‌دهد. یکی از این دو بعد، ظرفیت خارجی است

که شامل ظرفیت یک کشور در تاثیر گذاشتن بر محیط بین‌المللی از طریق پتانسیل‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی است و بعد دیگر، بعد داخلی است که شامل ظرفیت یک کشور در تبدیل منابع جامعه به «دانش قابل اجرایی» است که بهترین فناوری نظامی و غیرنظامی ممکن را تولید می‌کند (تلیس و دیگران، ۱۳۸۳: ص ۵۶).

در قلمرو داخلی از قدرت برای قانون‌گذاری، ضابطه‌گذاری، تنظیم امور و روابط اجتماعی، اجرای قانون و عدالت اجتماعی و تامین امنیت عمومی از طریق نهادهای سازمان یافته زیربط نظیر نهادهای قانون‌گذاری، قضائی، امنیتی، انتظامی، تبلیغاتی و غیره استفاده می‌شود. در قلمرو خارجی نیز برای حفاظت از منافع ملی، تامین نیازهای ملی از مبادی فراکشوری، تامین امنیت ملی، رفع تهدیدات فرامرزی، تقویت اعتبار و پرستیژ ملی و غیره، از قدرت ملی استفاده می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ص ۲۴۶).

در مجموع برای تعیین و محاسبه قدرت ملی، عناصر متعددی وجود دارند که متخصصان رشته‌های مختلف همچون جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی در خصوص آن الگوهایی را ارائه کرده‌اند. مورگنتا، اسپایکمن، فیشر، ارکانسکی، کوهن، گلاسز، ماهان و حافظ‌نیا، از جمله متخصصانی هستند که در این خصوص الگوهایی را مطرح کرده‌اند (اعظمی، ۱۳۸۳: ص ۴۴). عناصر اقتصادی از جمله عناصر و مولفه‌هایی هستند که به‌عنوان عناصر اصلی قدرت ملی لحاظ می‌شوند.

مفهوم دیگری که در اینجا باید به آن پرداخت منطقه کلان‌شهری^۱ است. در واقع این منطقه، منطقه‌ای متمرکز و متراکم از سکونتگاه‌های انسانی، مشتمل بر یک شهر مرکزی به همراه سکونتگاه‌های حومه‌ای است که این سکونتگاه‌ها و شهر مرکزی به لحاظ اجتماعی و اقتصادی وابستگی متقابل به یکدیگر دارند. با بررسی متون تحقیقی در حوزه تعاریف و مفاهیم منطقه کلان‌شهری مشخص می‌شود که تمرکز جمعیت، ثروت و تخصص وجه تمایز شهرهای بزرگ با سایر شهرها در واحد ملی است. همچنین پایگاه‌های اقتصادی گوناگون، گروه‌های مردم و شیوه‌های مختلف زندگی و طبقات اجتماعی ناهمگن، شکل خاصی به مادر شهرها می‌بخشد که این ناهمگنی در دیگر شهرها کمتر دیده می‌شود. نگارندگان با توجه به مطالب فوق کلان‌شهر را شهرهای با جمعیت بیش از یک میلیون می‌داند که در کشور ما علاوه بر تهران شهرهای مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و کرج نیز کلان‌شهر به شمار می‌آیند. در متون پژوهشی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مادر شهر جهانی در کشورهای پیشرفته، کلان‌شهرهای سیاسی

^۱ . Metropolitan Area

(پایتخت دولت‌های ملی) و شهرهای بزرگ در مراکز منطقه‌ای، تجاری و اقتصادی کلان‌شهر شناخته می‌شوند که در بیشتر موارد این مفهوم بر هم منطبق است.

جمعیت بسیار بالای یک یا چند کلان‌شهر در یک پهنه بزرگ ملی ممکن است در ما این تصور را به وجود آورد که با یک کشور کاملاً شهری روبه‌رو هستیم، در حالی که سایر نقاط آن پهنه کاملاً روستایی باشند. بسیاری از کشورهای جهان سوم در حال حاضر چنین وضعیتی را نشان می‌دهند که خود سبب بالا رفتن هر چه بیشتر تفاوت‌ها و اختلاف‌های اجتماعی نیز می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۳: ص ۱۲۴-۱۲۱).

شهر تهران در چهار دهه اخیر شاهد دگرگونی‌های متنوع و متعددی در عرصه‌های مختلف جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. دامنه این تحولات و دگرگونی‌ها به گستره فیزیکی شهر محدود نبوده و با ایجاد حوزه عملکردی بسیار فراتر از محدوده‌های جغرافیایی آن، سطح وسیعی از مناطق شهری و روستایی پیرامونی‌اش را نیز تحت تاثیر قرار داده است. چنین رشد و گسترشی، در مراحل اولیه خود متضمن فرصت‌های منحصر به فردی برای توسعه کشور بود، اما به تدریج مسائل و مشکلاتی پدید آمد، که جز با چاره‌اندیشی در مقیاس فراشهری برطرف نمی‌شد. از آن هنگام، شهر تهران به همراه مجتمع‌های زیستی و مراکز فعالیت و خدمات پیرامون آن مورد توجه قرار گرفت و اصطلاحاتی نظیر تهران بزرگ، منطقه کلان‌شهری تهران و مجموعه شهری تهران رواج یافت.

به کارگرفتن هر یک از این اصطلاحات، بر تغییرات گسترده منطقه شهری تهران دلالت دارد و بر لزوم اتخاذ نگرشی "یکپارچه" در عرصه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت تأکید می‌کند. با این حال وسعت دایره این مفاهیم و واژگان، برداشت‌های متفاوت و تعبیر مختلف جغرافیایی و مکانی از آن‌ها را سبب می‌شود. از این رو ارائه تعریف دقیقی از محدوده مورد مطالعه و شناخت ویژگی‌ها و مسائل اصلی آن برای تبیین نقش اقتصادی منطقه کلان‌شهر تهران ضروری است.

هیئت وزیران در تصویب‌نامه ۸۲/۳/۵ کلیات، مشخصات و شروط تحقق اهداف طرح مجموعه شهری تهران را به تصویب رساند. پس از آن هیئت وزیران با در نظر گرفتن نظرات مجلس در تصویب‌نامه ۸۳/۳/۲ ضمن حفظ استقلال واحدهای تقسیمات کشوری و مسئولیت‌ها و اختیارات مراجع ذیربط آن، خط‌مشی و سیاست‌های کلی طرح مجموعه شهری تهران را به تصویب رساند. در این مصوبه، با توجه به نظر رئیس مجلس، عبارت "مجموعه شهری تهران" به "منطقه عمومی تهران" تغییر نام داد و شهرهای واقع در شهرستان‌های تهران، دماوند، ری، شمیرانات، کرج، ورامین، اسلام‌شهر، ساوجبلاغ، شهریار، رباط کریم، پاکدشت و نظرآباد در آن قرار گرفت (هیئت وزیران، ۱۳۸۳). قلمرو این منطقه شامل شهرهای کل استان تهران به جز

شهرستان فیروزکوه است که به واسطه فقدان ارتباط با مجموعه شهری تهران و کمبود تعداد کانون‌های جمعیتی از آن حذف گردیده است. بر همین اساس محدوده مورد مطالعه تحقیق حاضر نیز منطقه عمومی تهران (یا مجموعه شهری تهران) در نظر گرفته می‌شود. این محدوده در حال حاضر ۱۳ شهرستان، ۳۵ بخش، ۵۱۱ شهر، ۸۰ دهستان را شامل می‌شود (مرکز آمار ایران، آمارنامه استان تهران، ۱۳۸۵) که در تحقیق حاضر منطقه کلان شهر تهران نامیده می‌شود.

یافته‌های تحقیق

تهران ظرف دو قرن اخیر از شهرکی کوچک با ۱۵ هزار جمعیت به یکی از شهرهای بزرگ جهان تبدیل شده است. موقعیت راهبردی تهران بر سر راه مسیرهای اصلی بازرگانی و نیز موقعیت نمادین آن در دامنه بلندترین دامنه کوهستان کشور، تهران را همچون سلف خود، ری، به نقطه کانونی در کشوری پهناور بدل ساخته است (مدنی‌پور، ۱۳۸۱: ص ۴۰).

تهران امروز نقش هسته سیاسی، اقتصادی و ملی را به عهده دارد (میرحیدر، ۱۳۸۵: ص ۱۳۶) که قدرت سیاسی- اداری کشور در قالب سیستم سیاسی بسیط آن در تهران به شکل یک پارچه و متمرکز درآمده است؛ قدرت اقتصادی و مالی نیز همچون قدرت سیاسی در تهران متمرکز شده است؛ تمرکز شبکه‌های بزرگ بانکی مادر، پول و ارز و عملیات مربوط به آنها، بیمه، بازار، کمپانی‌ها، دفترهای شرکت‌ها و کارخانجات کشور و تجارت بزرگ ملی و بین‌المللی در تهران سبب شده است رهبری اقتصاد ملی در تهران متمرکز شود و تمرکز اقتصادی و پولی با تمرکز سیاسی- اداری و تمرکز جمعیتی و خدمات اجتماعی هم‌نوا و همراه گردد. قدرت علمی، فنی و تکنولوژیک نیز در قالب دانشگاه‌های عمده، مراکز تحقیقاتی، کتابخانه‌ها، امکانات علمی، دانشمندان، فن‌آوران و کادرهای عالی متخصص در تهران استقرار یافته است (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ص ۲۹۲).

در این مقاله با توجه به تعداد شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی، و همچنین شاخص‌های اقتصاد شهری، برخی از شاخص‌های اقتصادی مؤثر در قدرت ملی را در منطقه کلان شهر که شامل ارزش افزوده بخش صنعت، خدمات، درآمد مالیاتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان در مقایسه با کل کشور می‌شود با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای رسمی، مورد تحلیل قرار داده و نقش اقتصادی منطقه کلان‌شهر تهران در قدرت ملی کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم. لازم به ذکر است که مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «تبیین نقش اقتصادی منطقه کلان‌شهری تهران در قدرت ملی» می‌باشد، آمار و اطلاعات

اقتصادی ارائه شده در این پژوهش آخرین آمار اقتصادی کشور می‌باشد که به صورت رسمی از سوی مراکز آماری معتبر کشور تا پایان سال ۱۳۸۵ ارائه شده است.

بررسی شاخص‌های اقتصادی قدرت ملی در کلان‌شهر تهران

در این بررسی جایگاه منطقه کلان‌شهر تهران در ارزش افزوده^۱ بخش صنعت و مقایسه با کل کشور مورد بررسی قرار گرفته است. فعالیت‌های صنعتی به کلیه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که باعث تغییر فیزیکی یا شیمیایی مواد و اجسام مختلف گردیده و نهایتاً منجر به تولید محصولات جدید می‌شوند. روش یا تکنولوژی مورد استفاده در ایجاد تغییرات در مواد و تولید محصولات جدید اعم است از دستی و ماشینی، کارخانه‌ای یا در منزل یا در هر محل دیگر به منظور فروش و یا جهت مصارف شخصی. فعالیت‌های معدنی شامل استخراج معادن تحت‌الارضی و سطح‌الارضی و عمل‌آوری و آماده‌سازی (نظیر: الک کردن، شستن، خرد کردن، گلوله کردن، و بالا بردن عیار) مواد معدنی طبیعی می‌باشد. منطقه کلان‌شهر تهران که قلمرو آن شامل شهرهای کل استان تهران به جز شهرستان فیروزکوه است،^۲ به‌عنوان مهم‌ترین قطب صنعتی کشور می‌باشد که حاکی از تمرکز بالای صنعت کشور در تهران است. طبق آمارها در سال ۱۳۸۵ تهران همچنان مهم‌ترین قطب صنعتی کشور بوده و ۳۴،۰۸ درصد کارگاه‌های صنعتی، ۲۹،۸۴ درصد ارزش افزوده و ۳۳،۸ درصد شاغلان بخش صنعت کشور را به خود اختصاص داده است.

در کنار آن صنعت، مسکن و مستغلات و فعالیت‌های مرتبط با عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسائل نقلیه و کالاها جزء پنج فعالیت اقتصادی عمده ایجادکننده ارزش افزوده بوده‌اند. در حال حاضر ۱۷ شهرک صنعتی فعال، ۳ شهرک صنعتی در دست احداث، ۸ شهرک صنعتی در دست طراحی، ۲ شهرک در دست مطالعه در سطح منطقه موجود بوده که علاوه بر

۱. ارزش افزوده (Value Added): ارزش ستانده منهای ارزش مصرف واسطه، ارزش افزوده نامیده می‌شود ارزش افزوده را می‌توان معیار سنجش مشارکت تولیدکنندگان منفرد، صنعت یا بخش در تولید ناخالص داخلی محسوب نمود (بانک مرکزی، مفاهیم، تعاریف و روش‌ها). <http://www.cbi.ir/simplelist/4509.aspx>

۲. فیروزکوه به‌واسطه فقدان ارتباط با مجموعه شهری تهران و کمبود تعداد کانون‌های جمعیتی از آن حذف گردیده است.

آن ایجاد ۴ شهرک صنعتی جدید نیز در حال بررسی است. بر طبق اطلاعات جدول شماره ۱ مشاهده می‌گردد که در سال ۱۳۸۵، ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی با سهم ۸۱ درصدی از ارزش افزوده ایجاد شده در این رشته بالاترین سهم و تمرکز را به خود اختصاص داده است. در رده‌های بعدی ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر با ۷۳ درصد، انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط‌شده با ۷۰ درصد، ساخت پوشاک، عمل‌آوری و رنگ‌کردن خز با ۴۹ درصد و ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه و وسایل ارتباطی با ۴۸ درصد مقام‌های دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند که قابل تامل و توجه می‌باشد و حاکی از تمرکز بالای این رشته فعالیت‌ها در تهران می‌باشد.

رتبه‌بندی توزیع نسبی ارزش افزوده بخش صنعت به تفکیک منطقه کلان‌شهر تهران و استان‌های کشور نشان می‌دهد که منطقه کلان‌شهر تهران بر اساس جدول شماره ۱ و طبق آمارهای سال ۱۳۸۵ به تنهایی ۲۶/۷ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت کشور را به خود اختصاص داده است. در حالی که استان‌های اصفهان، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد، با مجموع ۳۲/۶ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت کل کشور بعد از تهران به ترتیب رتبه دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده است که در مجموع سهم این استان‌ها از ارزش افزوده بخش صنعت به همراه منطقه کلان‌شهر تهران برابر است با ۵۹/۴ درصد و بقیه کشور ۴۰/۶ درصد را دارا می‌باشند. به عبارت دیگر بیش از ۵۰ درصد تمرکز فعالیت‌های بخش صنعت کشور در منطقه کلان‌شهر تهران و سه استان اصفهان، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد بوده است. جدول شماره ۱ همچنین بیانگر عدم تعادل فضایی توزیع بخش صنعت در کشور می‌باشد به نحوی که منطقه کلان‌شهر تهران با رتبه یک نسبت به دومین رتبه یعنی استان اصفهان حدود دو برابر صنعتی‌تر بوده و نسبت به سومین رتبه سه برابر و حدود ۱۳ برابر تولید ارزش افزوده رتبه دهم را به خود اختصاص داده است.

از نظر تعداد کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر شاغل و بیشتر و تعداد شاغلان این کارگاه‌ها، منطقه کلان‌شهری تهران با ۳۹۸۷ کارگاه با سهم ۲۵/۱۱ درصدی از کل کشور و ۳۲۶۸۷۷ نفر شاغل با سهم ۲۹/۶۴ درصد در رتبه اول و استان اصفهان با ۲۱۵۹ کارگاه با سهم ۱۳/۶۰ درصد از کل کشور و ۱۲۹۵۵۹ نفر شاغل با سهم ۱۱/۷۵ درصد در رتبه دوم و استان ایلام با تعداد ۳۲ کارگاه صنعتی دارای رتبه آخر است، همان‌گونه که از آمارهای تعداد کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر شاغل و بیشتر و تعداد شاغلان این بخش با سهم بسیار زیادی که از کل کشور دارند بیانگر این مطلب است که تهران و اصفهان از نظر ارزش افزوده فعالیت‌های صنعتی در رتبه اول و دوم بوده‌اند. یکی از دلایل پائین بودن نرخ بیکاری در مناطق یاد شده

جدول (۱) ارزش افزوده بخش صنعت و زیربخش‌های آن در منطقه کلانشهری تهران و کل کشور در سال ۱۳۸۵ (مأخذ: حساب‌های ملی و منطقه‌ای - مرکز آمار ایران ۱۳۸۵)

شرح فعالیت‌ها	کل کشور	تهران	سهم تهران
صنعت	307,145,451	82,167,924	26.75%
ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها	38,345,776	8,435,189	22.00%
ساخت محصولات از توتون و تنباکو	922,320	222,436	24.12%
ساخت منسوجات	17,861,985	1,789,234	10.02%
ساخت پوشاک، عمل‌آوری و رنگ کردن خز	2,513,480	1,237,569	49.24%
دباغی و پرداخت چرم و سایر محصولات چرمی	1,867,630	756,781	40.52%
ساخت چوب و محصولات چوبی	4,585,512	796,092	17.36%
ساخت کاغذ و محصولات کاغذی	2,474,160	939,083	37.96%
انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده	1,855,199	1,295,290	69.82%
ساخت کک، فرآورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای	28,560,807	6,395,185	22.39%
ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی	36,122,737	4,563,775	12.63%
ساخت محصولات از لاستیک و پلاستیک	8,148,977	2,579,371	31.65%
ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی	26,555,461	4,340,050	16.34%
ساخت فلزات اساسی	43,216,949	2,500,176	5.79%
ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	16,959,469	5,885,205	34.70%
ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	16,639,083	5,860,071	35.22%
ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	295,042	237,681	80.56%
ساخت ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	8,071,107	2,522,043	31.25%
ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی	1,241,507	596,920	48.08%
ساخت ابزار پزشکی، ابزار اپتیکی، ابزار دقیق و انواع ساعت	1,386,384	444,949	32.09%
ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر	35,203,189	25,754,526	73.16%
ساخت سایر تجهیزات حمل و نقل	4,442,400	748,974	16.86%
ساخت مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	9,595,656	4,138,177	43.13%
باز یافت	280,618	129,149	46.02%

نسبت به سایر استان‌های کشور، سهم بالای صنعت این مناطق نسبت به سایر مناطق کشور است.

جدول (۲) رتبه‌بندی توزیع نسبی ارزش افزوده بخش صنعت به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و

استان‌های کشور

رتبه	سهم از کشور	ارزش افزوده	استان	رتبه	سهم از کشور	ارزش افزوده	استان	رتبه	سهم از کشور	ارزش افزوده	استان
21	0.6	5,935	سمنان	11	1.9	18,793	ایلام	۱	۲۶.۸	۲۶۵,۰۷۶	منطقه کلان‌شهری تهران
22	0.6	5,935	قم	12	1.7	16,815	یزد	2	14.7	145,396	اصفهان
23	0.6	5,935	لرستان	13	1.4	13,847	قزوین	3	9.6	94,953	خوزستان
24	0.5	4,945	سیستان و بلوچستان	14	1.4	13,847	مازندران	4	8.3	82,094	کهگیلویه و بویراحمد
25	0.4	3,956	گلستان	15	1.2	11,869	گیلان	5	3.2	31,651	بوشهر
26	0.3	2,967	اردبیل	16	1.0	9,891	هرمزگان	6	2.8	27,694	خراسان رضوی
27	0.3	2,967	چرامحل و بختیاری	17	0.9	8,902	آذربایجان غربی	7	2.7	26,705	آذربایجان شرقی
28	0.3	2,967	خراسان شمالی	18	0.8	7,913	زنجان	8	2.7	26,705	فارس
29	0.3	2,967	کردستان	19	0.7	6,924	کرمانشاه	9	2.5	24,727	کرمان
30	0.2	1,978	خراسان جنوبی	20	0.7	6,924	همدان	10	2.4	23,738	مرکزی

مأخذ (مرکز آمار ایران، حساب‌های منطقه‌ای، ۱۳۸۵)

بررسی جایگاه منطقه کلان‌شهری تهران در ارزش افزوده بخش خدمات و مقایسه آن با کل کشور نشان می‌دهد که خدمات دارای موجودیت مستقلی نیستند که امکان ایجاد حق مالکیت بر آن‌ها وجود داشته باشد. خرید و فروش خدمات از تولید آن‌ها جدا نیست و این دو فرآیند هم‌زمان صورت می‌گیرد. خدمات، ستانده‌های ناهمگنی را که تولید آن‌ها براساس سفارش انجام می‌گیرد و نیز تغییراتی را که توسط تولیدکنندگان بر اساس تقاضای مصرف‌کنندگان در وضعیت واحدهای مورد مصرف داده می‌شود در بر می‌گیرند. زمانی که تولید خدمات به پایان می‌رسد باید به مصرف‌کنندگان ارائه شود.

تولید خدمات باید فقط محدود به فعالیت‌هایی باشد که قابلیت ارائه به واحد دیگر را داشته باشد، در غیر این صورت رشته فعالیت‌های خدمات نمی‌توانند توسعه یابند و بازاری برای آن‌ها

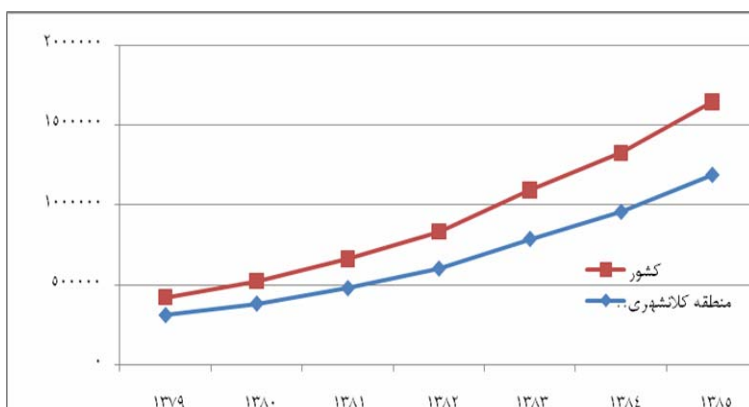
وجود نخواهد داشت. همچنین هر واحدی می‌تواند برای مصرف خود خدماتی را تولید کند به شرطی که نوع فعالیت طوری باشد که امکان انجام آن توسط واحد دیگر وجود داشته باشد. بررسی ارزش افزوده بخش خدمات منطقه کلان شهر تهران نیز بیانگر روند رو به افزایش آن در طول دوره ۸۵-۱۳۷۹ است، چنانچه کم‌ترین مقدار به سال ۱۳۷۹ معادل ۱۱۳۷۷۵ میلیارد ریال و بیش‌ترین مقدار به سال ۱۳۸۵ معادل ۴۶۰۶۷۴ میلیارد ریال اختصاص دارد، که نشان‌دهنده نرخ رشد متوسط ۲۶ درصد در طول دوره مورد بررسی می‌باشد. نمودار شماره ۱ بیانگر این مطلب می‌باشد. ارزش افزوده بخش خدمات منطقه کلان شهر تهران طی دوره مذکور در مقایسه با کل کشور نرخ رشد متوسط بالاتری داشته است که نشان‌دهنده افزایش سهم منطقه کلان شهر تهران از کل کشور در انتهای دوره مورد نظر نسبت به ابتدای آن است.

از طرف دیگر ارزش افزوده زیر بخش‌های بازرگانی، رستوران و هتل‌داری، حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات، خدمات موسسات مالی و پولی، خدمات مستغلات و خدمات حرفه‌ای و تخصصی، خدمات عمومی و خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی در منطقه کلان شهر تهران هر یک به ترتیب با نرخ رشد متوسط ۲۵، ۲۸، ۳۶، ۲۴، ۲۵ و ۲۸ درصد در طول دوره ۸۵-۱۳۷۹ افزایش یافته‌اند.

در سال‌های ۸۲-۱۳۷۹ زیر بخش خدمات مستغلات و خدمات حرفه‌ای و تخصصی نقش اساسی‌تری نسبت به سایر زیر بخش‌ها در ایجاد ارزش افزوده بخش خدمات در منطقه کلان شهر تهران داشته است؛ ولی در سال‌های آخر دوره مورد بررسی (۱۳۸۵-۱۳۸۲) زیربخش بازرگانی، رستوران و هتل‌داری سهم بیشتری دارد که این نکته در جدول (۳) قابل مشاهده است. در واقع در مقایسه با کل کشور، در منطقه کلان شهر تهران نیز خدمات مؤسسات مالی و پولی کم‌ترین سهم از ارزش افزوده ایجاد شده در بخش مورد نظر را دارا می‌باشد.

در رتبه‌بندی توزیع نسبی ارزش افزوده بخش خدمات به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵ نتیجه می‌گیریم که منطقه کلان شهر تهران بر اساس جدول شماره ۴ و طبق آمارهای سال ۱۳۸۵ به تنهایی ۳۸/۹ درصد از ارزش افزوده بخش خدمات کشور را به خود اختصاص داده است. در حالی که استان‌های خراسان رضوی، اصفهان، خوزستان و فارس، با مجموع ۲۲/۳ درصد از ارزش افزوده بخش خدمات کل کشور به ترتیب رتبه دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده است. که در مجموع سهم این استان‌ها از ارزش افزوده بخش خدمات به همراه منطقه کلان شهر تهران برابر است با ۶۱/۲ درصد و بقیه کشور ۳۹/۸ درصد را دارا می‌باشند. به عبارت دیگر بیش از ۶۰ درصد تمرکز فعالیت‌های بخش خدمات کشور در منطقه کلان شهر تهران و چهار استان خراسان رضوی، اصفهان، خوزستان و فارس بوده است.

قابل ذکر است که منطقه کلان شهر تهران با رتبه یک نسبت به دومین رتبه ارزش افزوده بخش خدمات یعنی استان خراسان رضوی بیش از شش برابر ارزش افزوده کل کشور را به خود اختصاص داده است که این بیانگر شدت عدم تعادل فضایی در توزیع ارزش افزوده بخش خدمات می باشد.



شکل (۱) نمودار روند تغییر ارزش افزوده بخش خدمات تهران و کشوری طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵
 مأخذ: (مرکز آمار ایران، حساب‌های منطقه‌ای در ادوار مختلف)

جدول (۳) ارزش افزوده زیربخش‌های خدمات منطقه کلانشهری تهران ۱۳۷۹-۱۳۸۵

شرح فعالیت	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
بازرگانی، رستوران و هتلداری	32,151	39,871	50,125	65,422	86,379	104,582	123,121
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	15,708	19,026	25,143	30,198	39,543	49,977	68,121
خدمات مؤسسات مالی و پولی	6,546	8,907	10,990	19,000	35,316	37,091	41,093
خدمات مستغلات و خدمات حرفه‌ای و تخصصی	33,836	42,131	55,951	68,900	84,715	94,546	122,178
خدمات عمومی	12,475	14,830	19,871	24,706	29,677	39,186	48,022
خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی	13,059	17,185	20,620	24,745	33,125	45,367	58,139
(جمع)	113,775	141,951	182,700	232,971	308,755	370,748	460,674

جدول (۴) رتبه‌بندی توزیع نسبی ارزش افزوده بخش خدمات به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵

رتبه	سهم از کشور	ارزش افزوده	استان	رتبه	سهم از کشور	ارزش افزوده	استان	رتبه	سهم از کشور	ارزش افزوده	استان
21	1.2	14221	قم	11	2.3	27258	هرمزگان	1	38.9	460674	منطقه کلان شهری تهران
22	1	14221	یزد	12	1.8	21332	کرمانشاه	2	6.4	75847	خراسان رضوی
23	1.1	13036	اردبیل	13	1.7	20147	مرکزی	3	5.9	69922	اصفهان
24	0.8	9481	خراسان شمالی	14	1.6	18962	همدان	4	5.3	62811	خوزستان
25	0.8	9481	زنجان	15	1.5	17777	گلستان	5	4.7	55700	فارس
26	0.8	9481	سمنان	16	1.4	16592	لرستان	6	3.9	46219	آذربایجان شرقی
27	0.7	8296	چرامحل و بختیاری	17	1.3	15406	سیستان و بلوچستان	7	3.9	46219	مازندران
28	0.6	7111	خراسان جنوبی	18	1.3	15406	قزوین	8	2.7	31998	گیلان
29	0.5	5926	ایلام	19	1.3	15406	کردستان	9	2.5	29628	آذربایجان غربی
30	0.5	5926	کهگیلویه و بویراحمد	20	1.2	14221	بوشهر	10	2.3	27258	کرمان

مأخذ: (مرکز آمار ایران، حساب‌های منطقه‌ای سال ۱۳۸۵)

از بررسی جایگاه منطقه کلان‌شهری تهران در درآمد مالیاتی و مقایسه آن با استان‌های کشور نتیجه می‌گیریم که اولاً مالیات عبارت است از قسمتی از درآمد یا ثروت افراد که به منظور بخشی از هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور که به موجب قانون به وسیله دولت وصول می‌شود. به عبارت دیگر برای دوام جامعه و ارائه خدمات اجتماعی توسط دولت هر یک از افراد جامعه با توجه به توان پرداخت خود مکلفند بهای قسمتی از این خدمات را به عنوان مالیات به دولت بپردازند.

ثانیاً مالیات‌ها، پرداخت‌های اجباری و بلاعوض واحدهای نهادی به دولت است که به صورت نقدی و غیر نقدی انجام می‌گیرد. اطلاق صفت بلاعوض به مالیات‌ها از این جهت است که دولت در مقابل دریافت مالیات از یک واحد نهادی، خدمتی را به صورت فردی به آن ارائه نمی‌کند، هر

چند که با دریافت مالیات منابع مالی خود را افزایش داده و با استفاده از این منابع، کالاها و خدماتی را برای سایر واحدها اعم از تک تک افراد یا کل جامعه فراهم آورد. درآمدهای مالیاتی در اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان، یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی دولت‌ها به شمار رفته و به عنوان یک ابزار مؤثر جهت سیاست‌گذاری‌های مالی محسوب می‌شوند (نجارزاده، ۱۳۸۵: ص ۲۵).

امروزه کشورها همراه با رشد و توسعه به سمت صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی در حرکت هستند. شهرنشینی با تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در نواحی شهری صنعتی پایه‌های مالیاتی بزرگتری نسبت به فعالیت‌های روستایی و سنتی مبتنی بر کشاورزی، صنایع دستی و صادرات مواد اولیه ایجاد می‌کند؛ زیرا فعالیت‌های سنتی شامل کسب و کارهای با مقیاس‌های کوچک است و عمدتاً خود مصرفی (نه جای تولید تجاری) است. اگر این فعالیت‌ها دارای مازاد نیز باشند، اغلب به دلیل بهره‌وری پایین، معاف از مالیات هستند.

مع الوصف مصرف و واردات تابعی از درآمد افراد است افزایش درآمد موجب افزایش مصرف، واردات، مالیات بر واردات و مالیات بر کالاها و خدمات می‌شود. از طرفی دیگر، با توجه به افزایش تولید ملی و افزایش بازدهی و سود بالای بنگاه‌های اقتصادی، در نتیجه مالیات بر درآمد و سود شرکت‌ها نیز افزایش خواهد یافت.

هر چند بالا بودن سهم بخش کشاورزی نشان دهنده ساختار سنتی است، بالا بودن نسبت شهرنشینی نشان‌دهنده ساختار اقتصادی پیشرفته و مبتنی بر بخش صنعت است. به دلیل استفاده از افراد آموزش دیده و تکنولوژی پیشرفته در تولید، بهره‌وری در اقتصاد پیشرفته نسبت به اقتصاد سنتی بالاتر است و در نتیجه تولید، سود و دست‌مزدها نیز بالاتر. این برتری موجب افزایش درآمدهای مالیاتی مستقیم و غیر مستقیم داخلی می‌شود (اکبری‌ان: ۱۳۸۶: ص ۱۵). که نمونه آن درآمد مالیاتی تهران و مناطق توسعه‌یافته و برخوردار کشور می‌باشد جدول شماره ۵ به خوبی تصدیق‌کننده این مطلب می‌باشد.

رتبه‌بندی توزیع نسبی درآمد مالیاتی به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که امروزه در تمام کشورها، مالیات نقش اساسی در تأمین مخارج دولت دارد، در اقتصاد ایران نیز درآمدهای مالیاتی یکی از مهمترین منبع تأمین‌کننده مخارج دولت بعد از درآمدهای نفتی می‌باشد. جدول شماره ۶ به خوبی نشان می‌دهد که به دلیل تمرکز چند بعدی از جمله قطب صنعت کشور، شبکه‌های بزرگ بانکی مادر، پول و ارز و عملیات مربوط به آنها، بیمه، بازار، کمپانی‌ها، دفترهای شرکت‌ها و کارخانجات کشور و تجارت بزرگ ملی و بین‌المللی در تهران بیشترین درآمد مالیاتی در این شهر عاید دولت می‌شود. به عبارت

دیگر بیش از ۵۲ درصد درآمدهای مالیاتی کشور در تهران و ۲۹ استان دیگر کمتر از ۴۸ درصد درآمد مالیاتی را دارا می‌باشند.

جدول (۵) رتبه‌بندی توزیع درآمد مالیاتی به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵

رتبه	سهم از کشور	درآمد مالیاتی	استان	رتبه	سهم از کشور	درآمد مالیاتی	استان	رتبه	سهم از کشور	درآمد مالیاتی	استان
21	0.61	385,532	کردستان	11	1.66	1,049,020	قزوین	1	52.72	33,370,448	منطقه کلانشهری تهران
22	0.60	380,708	اردبیل	12	1.59	1,004,548	آذربایجان غربی	2	5.64	3,570,986	اصفهان
23	0.52	329,088	ایلام	13	1.54	974,244	یزد	3	5.57	3,528,033	خوزستان
24	0.51	320,019	چرمحل و پختیزی	14	1.53	971,109	گیلان	4	4.57	2,892,121	خراسان رضوی
25	0.33	211,737	خراسان جنوبی	15	1.19	750,691	کرمانشاه	5	3.65	2,308,756	فارس
26	0.32	203,862	کهگیلویه و بویراحمد	16	0.94	597,671	زنجن	6	3.50	2,217,563	بوشهر
27	0.32	201,072	خراسان شمالی	17	0.84	532,412	سیستان و بلوچستان	7	2.52	1,595,089	کرمان
28	0.27	169,600	آذربایجان شرقی	18	0.84	531,612	همدان	8	2.40	1,516,695	مازندران
29	0.16	102,573	قم	19	0.82	517,171	گستان	9	2.04	1,293,152	هرمزگان
30		آمار موجود نیست	لرستان	20	0.77	489,018	سمنان	10	2.03	1,288,191	مرکزی

از بررسی جایگاه منطقه کلان‌شهری تهران در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برحسب ساختمان‌های شروع شده، نیمه تمام و تکمیل‌شده در نقاط شهری ۱۳۸۵ نتیجه می‌گیریم که بخش مسکن به‌عنوان یکی از بخش‌های عمده اقتصادی، رابطه تنگاتنگ و وسیعی با سایر بخش‌های اقتصادی کشور دارد، از تحولات سایر بخش‌ها تأثیر پذیرفته و خود نیز بر آنها اثر می‌گذارد. طی هر سال حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از سرمایه ثابت کشور در بخش مسکن ایجاد می‌شود و به‌طور میانگین به‌همین نسبت از نقدینگی کل کشور در بخش مسکن مصرف می‌گردد.

با توجه به رابطه پسین و پیشین بخش مسکن با سایر بخش‌های اقتصادی کشور رکود و رونق این بخش اثر قطعی بر رکود و رونق اقتصاد کلان کشور می‌گذارد. به‌طوری که مطالعات

در این زمینه نشان داده‌اند، یک واحد افزایش در ارزش افزوده بخش مسکن، تولید ناخالص داخلی را به میزان ۲/۸ واحد افزایش می‌دهد.

بازار مسکن تهران به‌عنوان مهم‌ترین بازار مسکن کشور، همواره نقش پیش‌تاز در تحولات بازار مسکن سایر نقاط کشور داشته است و تغییرات در این بازار با تأخیری ۶ ماهه تا یک‌ساله در کلان‌شهرها و سپس در سایر نقاط شهری روی می‌دهد (عربی، ۱۳۸۹: ص ۲۰). از طرف دیگر سهم بخش مسکن از اشتغال کشور از ۱۱ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - فعالیت ساختمانی بخش خصوصی در مناطق شهری کشور و حساب‌های ملی).

-رتبه‌بندی توزیع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برحسب ساختمان‌های شروع شده، نیمه تمام و تکمیل شده در نقاط شهری به تفکیک منطقه کلان‌شهر تهران و استان‌های کشور نشان می‌دهد که از نظر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان، منطقه کلان‌شهری تهران و استان اصفهان به ترتیب رتبه اول و دوم در کل کشور را دارا هستند و استان خراسان جنوبی با کمترین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در رتبه آخر می‌باشد. از نظر تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در نقاط شهری برای احداث ساختمان، منطقه کلان‌شهری تهران و استان اصفهان با بیشترین درصد نسبت به کل کشور، رتبه‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند. در زمینه تعداد پروانه‌های صادر شده بر حسب مساحت زیربنای تهران و استان اصفهان دارای رتبه اول و دوم و استان کهگیلویه و بویراحمد دارای رتبه آخر می‌باشد.

تجزیه و تحلیل

همان‌گونه که گفته شد، انحصار قدرت و تمرکز آن در پایتخت (تهران) در پرتو خصلت‌های مکانی و جغرافیایی آن و نیز نگرش، رفتار و سیاست‌های دولت‌های حاکم طی یک قرن اخیر به‌شدت به تمرکز، ذخیره‌سازی و انحصار قدرت روی آورده و در تمامی ابعاد، قدرت ملی را بلعیده و تصاحب کرده است. قدرت سیاسی - اداری کشور در قالب سیستم سیاسی بسیط آن در تهران به‌شکل یک‌پارچه و متمرکز در آمده است؛ این الگوی توزیع فضایی قدرت، فضاهای جغرافیایی کشور را بلااراده ساخته و از توزیع فضایی و جغرافیایی قدرت سیاسی به‌شدت جلوگیری کرده است. تداوم این حالت انحصار قدرت نوعی فرهنگ و باور سیاسی را در میان عموم شکل داده است که بر اساس آن دولت‌مردان، سیاست‌مداران کادرهای عالی دولت و شهروندان تهرانی خود را صاحب قدرت سیاسی می‌دانند؛ بدین لحاظ کلیه امور ریز و درشت اقصا نقاط کشور به تهران گره خورد.

جدول (۶) رتبه‌بندی توزیع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برحسب ساختمان‌های شروع شده، نیمه‌تمام و تکمیل‌شده در نقاط شهری به تفکیک منطقه کلان شهر تهران و استان‌های کشور ۱۳۸۵

استان	سرمایه‌گذاری	سهم از کشور	رتبه	استان	سرمایه‌گذاری	سهم از کشور	رتبه	استان	سرمایه‌گذاری	سهم از کشور	رتبه
منطقه کلانشهری تهران	32,857,892	28.9	1	یزد	2,560,753	2.3	11	سمنان	1,217,676	1.1	21
اصفهان	11,405,737	10.0	2	قم	2,187,396	1.9	12	هرمزگان	1,132,275	1.0	22
فارس	7,730,463	6.8	3	قزوین	1,987,882	1.8	13	بوشهر	1,131,459	1.0	23
خراسان رضوی	7,488,377	6.6	4	زنجن	1,886,635	1.7	14	سیستان و بلوچستان	1,066,616	0.9	24
آذربایجان شرقی	5,766,393	5.1	5	همدان	1,867,936	1.6	15	چهارمحال و بختیاری	1,032,662	0.9	25
خوزستان	5,525,473	4.9	6	مرکزی	1,848,925	1.6	16	اردبیل	987,882	0.9	26
گیلان	5,031,433	4.4	7	کرمانشاه	1,834,382	1.6	17	خراسان شمالی	971,977	0.9	27
مازندران	4,053,731	3.6	8	لرستان	1,583,743	1.4	18	ایلام	680,998	0.6	28
آذربایجان غربی	2,939,713	2.6	9	گلستان	1,486,756	1.3	19	کهگیلویه و بویراحمد	607,740	0.5	29
کرمان	2,917,751	2.6	10	کردستان	1,246,537	1.1	20	خراسان جنوبی	532,322	0.5	30

با توجه به آنچه با کمک جداول و نمودارها و به‌صورت مشروح ذکر شد قدرت اقتصادی نیز همچون قدرت سیاسی در تهران متمرکز شده است. تمرکز قطب صنعت کشور با حدود ۲۷ در صد سهم صنعت کشور به همراه سه استان رتبه‌های دیگر حدود ۶۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت کشور را به خود اختصاص داده است. همچنین با تمرکز بخش خدمات کشور با حدود ۳۹ درصد ارزش افزوده بخش، باز هم رتبه اول خدمات کل کشور را به خود اختصاص داده است، درآمدهای بالا در این شهر که همگی ناشی از تمرکز (سیاسی- اقتصادی) می‌باشد باعث شده است که بیش از ۵۰ درصد درآمدهای مالیاتی دولت در این شهر اخذ می‌گردد. در خصوص مسکن نیز باید اذعان داشت که سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در مسکن و کسب

رتبه نخست در این زمینه در منطقه مذکور به دلیل رابطه نزدیکی است که این بخش با سایر بخش‌های اقتصادی کشور دارد.

نکته کلیدی در رابطه با موضوع تمرکز در تهران در واقع روند انباشت سرمایه در پایتخت بوده است. به طوری که در روند زمانی، انباشت سرمایه در کل کشور به نفع پایتخت و در پایتخت به نفع شرکت‌ها، نهادها و لایه‌های اجتماعی معین جهت‌گیری کرده است. از سوی دیگر این تمرکز توأم با توسعه اقتصادی در رشد صنعتی دارای محتوای درون‌زا نبوده و برخلاف آن تمرکزی بر مبنای درآمد ارزی نفت، جابجایی ثروت و درآمد، رانت و بهره‌جویی از تسهیلات دولتی و نقدینگی است که متأسفانه در جهت رشد و توسعه اقتصادی شهر به کار گرفته شده و عمده‌تأ در جهت مصرف و امتیازات سیاسی، طبقاتی و اجتماعی و غیره عمل نموده است. اقتصاد شهر تهران به ویژه از زمان ادغام سرمایه‌داری ایران در نظام اقتصادی جهانی تا حد زیادی به تولید و صدور نفت متمرکز است. به لحاظ تاریخی تمرکز بیشتر اشکال فعالیت اقتصادی در تهران تابعی از موقعیت مسلط دولتی- اداری این شهر نسبت به بقیه گستره پهناور کشور است.

نتیجه‌گیری

کشورهای پیشرفته در جهان از دیرباز در قالب نظام فدرال با طرح‌های آمایش سرزمین سعی داشته‌اند که به شهرهای دیگر در شماری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، خدماتی، صنعتی و... مرکزیت دهند. بطور مثال در ایالات متحده آمریکا واشنگتن دی‌سی مرکز سیاسی کشور است، نیویورک مرکز اقتصادی آن، در شهر هیوستن شرکت‌های نفتی تمرکز یافته‌اند، صنعت بزرگ فیلم سازی در لس‌آنجلس قرار یافته است و لاس‌وگاس به شهر تفریح و سرگرمی تبدیل شده است، در فرانسه شهرهای لیون، مارسی و تولوز از جمله شهرهایی هستند که از بار تمرکز در پاریس کاسته‌اند. این مدل البته به کشورهای درحال توسعه تسری یافته است. به عنوان مثال، در مراکش مرکز سیاسی کشور شهر رباط است ولی مرکز اقتصادی آن کازابلانکا است. در هند نیز دهلی مرکز سیاسی کشور است و بمبئی مرکز اقتصادی آن است.

اما همانگونه که ذکر گردید ایران یکی از متمرکزترین نظام‌های حکومتی در جهان معاصر است که تصمیمات، قوانین، شیوه اجرا و فرایند برنامه‌ریزی برای تمام مناطق کشور با توجه به تفاوت‌های مکانی، تنوع قومی و زبانی و فرهنگی، شیوه معیشت و غیره بصورت کاملاً متمرکز است. این شیوه مدیریت سیاسی فضا در مکان به دور از مناطقی که مردم و فضا از آن متأثر می‌گردد، اتخاذ می‌گردد. در نتیجه این تصمیمات و سیاست‌ها متناسب با الگوی فضایی (نظام تقسیمات کشوری/ سازمان سیاسی فضا) نمی‌باشد. به عبارت دیگر مدیریت سیاسی فضا با توجه

به الگوی جغرافیایی ایران از تناسب برخوردار نمی‌باشد که برآیند آن ناهنجاری فضایی و افزایش هزینه‌ها، توسعه نامتوازن فضاها، الگوی نامتوازن جمعیتی، نابرابری در فرصت‌های اقتصادی، ناهنجاری در سازمان سیاسی فضا و غیره است. تفاوت‌های فوق‌الذکر چنانچه افزایش یابد، نواحی کشور دچار نوعی ناهمگونی و در نتیجه شکاف می‌شوند.

با توجه به آمار و اطلاعات ارائه شده در متن مقاله باید چنین جمع‌بندی کرد که دو عنصر پایداری و ظرفیت ایران پیوند عمیقی با پایداری و ظرفیت کلان‌شهرها و به‌ویژه کلان‌شهر تهران دارد به نحوی که نتیجه تراکم حجمی فعالیت‌ها در تهران ضعف پایداری و کاهش ظرفیت تحمل را نشان می‌دهد این روند چنانچه با عدم تدبیر مدیریت فضای کلان‌شهری آمیخته شود به آسیب‌هایی تبدیل خواهد شد که تهدیدات جدی در مقیاس ملی برای کشور فراهم می‌آورد از این رو بدون تأمین پایداری نهادمند و ظرفیت کافی در کلان‌شهر ملی و ارتقاء نقش کارکردی آن، نمی‌توان جایگاه مناسبی برای قدرت ملی کشور ترسیم کرد. چون منابع و توان کشور به جای قرار گرفتن در پشتیبانی از اهداف و منابع ملی صرف پاسخ‌گویی منفعلانه به عوامل و تبعات ناپایداری‌ها و نارسایی‌های موجود در کلان‌شهرها خواهد شد.

با عنایت به شاخص‌های اقتصادی منطقه کلان‌شهر مؤثر در قدرت ملی که شامل ارزش افزوده بخش صنعت، ارزش افزوده بخش خدمات، درآمد مالیاتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان در مقایسه با کل کشور که مورد بررسی قرار گرفت چنین نتیجه می‌گیریم که: در مورد سهم فعالیت‌های مختلف اقتصادی و جایگاه آن‌ها در اقتصاد ملی و اقتصاد تهران می‌توان گفت که تفاوت‌های اساسی بین ساختار اقتصاد تهران و اقتصاد ملی وجود دارد، از جمله اینکه سهم بخش معدن و بخش کشاورزی در اقتصاد ملی بسیار قابل توجه است. این در حالی است که فعالیت‌های مرتبط با این دو بخش در اقتصاد تهران سهم ناچیزی را به خود اختصاص داده‌اند و فعالیت‌های مرتبط با صنعت و فعالیت‌های مرتبط با خدمات جای این دو را در پنج عمده فعالیت اقتصادی کشور از آن خود کرده است. به‌همین دلیل، حوزه نفوذ و جایگاه منطقه کلان‌شهر تهران تا جایی گسترش یافته که هرگونه اتخاذ تصمیم و عملکردی در سطح ملی را تحت تأثیر خود قرار داده است. وجود این انحصارات جایگاه و ویژگی خاصی در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران به منطقه کلان‌شهر تهران به‌عنوان محل استقرار دولت و بدنه اصلی و اساسی آن در مقایسه با سایر مناطق کشور می‌بخشد. موارد مذکور بیانگر برآورده نشدن خواسته‌ها و انتظارات ملت و کشور می‌باشد که در نهایت تأثیرات منفی تمرکز در منطقه کلان‌شهر تهران را در قدرت ملی بیان می‌کند.

منابع و ماخذ

۱. اعظمی، هادی (۱۳۸۳) الگویابی نظام قدرت در آفریقا، رساله دکتری جغرافیای سیاسی، به راهنمایی دکتر محمدرضا حافظنیا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ص ۴۴
۲. اکبریان، رضا، علی قاندى و رضا وهام (۱۳۸۶) بررسی رابطه آزاد سازی تجاری و درآمد مالیاتی در ایران، فصلنامه بررسی اقتصادی، دوره ۴، شماره ۳، ص ۱۵
۳. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت. ص ۲۸۲
۴. حافظنیا، محمدرضا، زهرا احمدی پور و مرجان بدیعی (۱۳۸۲) تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران. نشریه علوم جغرافیایی. دانشگاه تربیت معلم، ص ۵۸
۵. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۶) قدرت و منافع ملی مبانی، مفاهیم و روش‌های سنجش، تهران: نشر انتخاب، ص ۴۶
۶. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۹) مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی؛ جلد اول. قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور. ص ۲۴۶
۷. قالیباف، محمداقرا، (۱۳۸۴) درآمدی بر چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در قرن ۲۱ با تأکید بر تمرکز اقتصادی در کلان‌شهر ملی، دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، ص ۱۴۱
۸. مدنی‌پور، علی (۱۳۸۱) تهران ظهور یک کلان‌شهر، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ص ۴۰
۹. میرحیدر، دره (۱۳۸۵) مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: سمت، ص ۱۴۸
۱۰. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶) گزیده نتایج سرشماری ۱۳۸۵ استان تهران
۱۱. مرکز آمار ایران (۱۳۸۸) آمارنامه شهر تهران، ۱۳۸۵
۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۸) آمارنامه استان تهران، ۱۳۸۵
۱۳. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) جداول حساب‌های ملی ایران (حساب‌های منطقه‌ای)
۱۴. سازمان امور اقتصادی و دارایی استان تهران (۱۳۸۸)، بررسی ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی استان تهران در مقایسه با کل کشور طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۵، معاونت اقتصادی
۱۵. بانک مرکزی، مفاهیم، تعاریف و روش‌ها، <http://www.cbi.ir/simplelist/4509.aspx>
۱۶. نظریان، اصغر (۱۳۸۸) پویایی نظام شهری، تهران، انتشارات مبتکران، ص ۲۰۹
۱۷. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) انسان‌شناسی شهری، تهران، نشر نی، ص ۱۲۴-۱۲۱

۱۸. عربی، نادر (۱۳۸۹) بررسی اجمالی ویژگی‌های بازار مسکن تهران (۱۳۸۰-۱۳۸۸)، فصل‌نامه پژوهشی، آموزشی، اطلاع‌رسانی اقتصاد شهر، سال اول، شماره چهارم، ۲۰
۱۹. نجارزاده، رضا و زارع، حمیدضا (۱۳۸۵) برآورد کنش وقفه درآمد مالیاتی شرکت‌ها در استان تهران، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره سوم، ص ۲۵
۲۰. هیئت وزیران (الف) (۱۳۸۳) متن اصلاحیه کلیات، مشخصات و شروط تحقق اهداف طرح مجموعه شهری تهران.
۲۱. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۰) با شهر و منطقه در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران

Ashley J. Tellis & Others. (2000) *Measuring National Power in the Postindustrial Age*. Rond: New York, 2000, 12

<http://www.cbi.ir/simplelist/4509.aspx>